

"وهابیت" تهاجم خاموش

به گزارش "شیعه نيوز" به نقل از خبرگزاری فارس، حاج حمید در تازه‌ترین پست وبلاگ خود موضوعی را با عنوان "وهابیت تهاجم خاموش" مطرح کرده است. برپایه این گزارش در این وبلاگ می‌خوانیم:

مسلك وهابیت، منسوب به محمد بن عبدالوهاب نجدی است و علت این که آن را به خود شیخ محمد نسبت نداده‌اند، به این جهت است که مبدا پیروان این مذهب، نوعی شرکت در نام پیامبر را پیدا کنند.

محمد بن عبدالوهاب، در سال 1115 ق. در شهر «عینیه» چشم به جهان گشود.

او از کودکی به کتاب‌های تفسیر، حدیث و عقاید، علاقه داشت و از همان دوران جوانی، اعمال مذهبی مردم «به خدا» را زشت می‌شمرد.

وی به مدینه رفت و در آن جا توسل مردم به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را ناپسند شمرد.

محمد بن عبدالوهاب، بعد از مرگ پدر، افکار و عقاید خود را که قبلاً از سوی ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم پی‌ریزی شده بود، اظهار نمود و به تبلیغ و ترویج و رسمیت دادن آنها همت گماشت.

پندارهای وهابیان

وهابیان معتقدند که هیچ انسانی، نه موحد است و نه مسلمان؛ مگر این که اموری را ترك کند. این امور عبارتند از:

1. به وسیله هیچ يك از رسولان و اولیا، به خداوند توسل نجوید و در صورت توسل، در راه شرك گام نهاده، مشرك می‌باشد.
2. زائران به قصد زیارت، به آرامگاه رسول خدا نزدیک نشوند و بر قبر آن حضرت دست نگذارند و در آن جا دعا نخوانند و نماز نگذارند و ساختمان و مسجد بر روی قبر نساازند.

3. از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله طلب شفاعت نکنند.

4. زیارت قبور و ساختن گنبد و بارگاه برای آنان، شرك است.

5. وهابیان بر این باورند که مسلمانان، در طی روزگار، از آیین اسلام منحرف شده‌اند.

6. هر گونه مراسم تشییع جنازه و سوگواری حرام است.

این منطق خشك و بی‌پایه، در تقابل با منطق وحی قرار دارد؛ زیرا قرآن در موارد یاد شده، نظراتی صریح و مخالف وهابیان دارد.

پشت پرده وهابیت

فرقه وهابیت بر اساس يك هدف ظاهري و يك هدف باطني تشكيل شده است. هدف ظاهري وهابیت عبارت است از اخلاص در توحید و جنگ با شرك و بت پرستی، ولي واقعیت جنبش وهابیت، چه از جهت فكري و چه عملي، این هدف را تأیید نمی‌کند، هدف باطني و پنهان آنها کشتار مسلمانان و افروختن آتش فتنه و جنگ در بین آنان، در جهت خدمت به فراماسونری و امپریالیسم جهانی است و این اصل، محور تمام تلاشهای وهابیت از زمان ظهور تا به امروز است، و آن هدف ظاهري را فقط برای اغوا و گمراه کردن ساده لوحان و عوام الناس قرار داده اند.

شکي نیست که شعار اخلاص در توحید و مبارزه با شرك، شعار بسیار جذابي است که پیروان وهابیت با شور و هیجان تمام از آن سخن می‌گویند. ولیکن آن بیچارگان خیر ندارند که این شعار تنها دستاویزی برای رسیدن به آن اهداف پنهانی است که استعمار غرب برای تحقیقش این فرقه را به وجود آورده.

محققان تاریخ وهابیت ثابت کرده اند که این فرقه در اصل به دستور مستقیم وزارت بریتانیا ایجاد شد، به عنوان مثال به کتابهایی چون "پایه های استعمار" از خیری حماد و "تاریخ نجد" از سنت جان ویلیبی یا عبد الله ویلیبی و "خاطرات حاییم وایزمن" اولین نخست وزیر رژیم صهیونیستی و نیز "خاطرات مستر همفر" و "وهابیت، نقد و تحلیل" از دکتر همایون همّتی مراجعه کنید. «وهابیت عملاً مضمّم شده که نقش خود را در زشت جلوه دادن چهره اسلام به عنوان يك دین خونریز به خوبی بازی کند»...

بر این اساس، این فرقه از نظر فكري قائم بر سه اصل عملي می‌باشد و می‌توان این اصول را با نگاهی به برنامه‌های درسی و تربیتی سعودی دریافت، اولین اصل آنان اطاعت مطلق از ولي امر است؛ با صرف نظر از اینکه این ملك کیست و ماهیت اعمال و افکارش چیست و چطور به حکومت رسیده است؟ دلیل اینکه آل سعود از آنها خواسته پیرو امپریالیسم جهانی باشند، به این مطلب بر می‌گردد که آنها تنها به امر انگلیسی‌ها در گذشته، و در زمان حاضر به دستور آمریکاییان تعیین می‌شوند و از این رو "وهابیون" بردگانی به تمام معنی کلمه‌اند، اینان جز به دستور اربابانشان کاری نمی‌کنند و تنها به اشاره آنها حرف می‌زنند. اصل دوم آنها تکفیر مخالفان و قتل آنان است.

وهابیان در آغاز پیدایش خود هزاران تن از مسلمانان شیعه و سنی را کشتند و در زمان حاضر نیز، حسب راهنمایی‌های گام به گام آمریکا و صهیونیسم، بیشترین توجه خود را به طور خاص بر قتل شیعیان و تکفیر آنها متمرکز کرده‌اند.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، آتش جنگ بر ضد تشیع افزوده‌تر شده است و این آتش تا ظهور فرج ادامه خواهد داشت، اما این بدین معنی نیست که مسلمانان اهل سنت از شعله‌های این جنگ بر کنار باشند، زیرا وهابیت و رؤسای آنان در پی این نیستند که در آن واحد در دو جبهه کار کنند؛ آنها می‌خواهند اهل سنت را بر ضد برداران شیعه شان برانگیزند، تا فتنه ایجاد شود و همگی در خون خود غرق شوند.

اصل سوم آنان الفا و بی اعتبار سازی عنصر عقل و اندیشه و منطق و جایگزین کردن سلفیه است.

یعنی هر آنچه را که سلف انجام داده‌اند را انجام بدهیم، و این مصیبت بزرگی است؛ زیرا اسلام تأکید زیادی بر تفکر و حکمت و منطق و احسان نموده، نه تقلید از سلف، اگر منظور از سلف، صحابه باشد که آنها هرگز معصوم از خطا نبوده‌اند، پس آیا ما باید از خطاهای آنان هم پیروی کنیم؟ پس نقش عقل کجا رفت؟ و حرمت ریختن خون مسلمانان و بی‌گناهان که اسلام آن همه تأکید بر آن داشته و آن را اولین اولویت بعد از ایمان به خدا قرار داده، چه می‌شود؟ آیا رسول الله (ص) يك حدیث

گفته‌اند که در آن به پیروی از صحابه یا سلف امر کرده باشد؟ و همگان بر آن اتفاق داشته باشند؟ جواب: نه، بلکه ایشان آشکارا به پیروی از اهل بیت (ع) و صحابه بزرگ مثل: ابودر غفاری و عمار یاسر و حذیفه بن نعمان و سلمان و جابر انصاری و محمد بن ابی بکر و مقداد و عثمان بن مظعون و مانند آنان امر کرده است، در حالی که منظور از سلف نزد وهابیت، بدکارانی چون معاویه و ابوسفیان و یزید و مروان و عمرو ابن العاص و حجاج و بنی امیه و بنی عباس و بقیه آدمکشانی است که چهره تاریخ را با جنایاتشان سیاه کرده اند...

الغای عقل و منطق و فکر نزد وهابیت و به جای آن تمرکز بر فرهنگ گله و چوپان در بین آنان مهمترین وظیفه ای است که سرویس اطلاعاتی بریتانیا از طریق آل سعود و فتوای مزبوران یهودی صفتشان ترویج می دهند که بر اساس آن باید کر و لال و کور شد، و این یعنی استمرار بندگی و خضوع در مقابل دشمنان اسلام و نابودی اسلام از داخل...

بهترین مثال در رابطه با شستشوی مغزی و الغای عقل نزد وهابیون، فتوای ابن باز در تکفیر کسانی است که قائل به کروی بودن زمین هستند، مسلمان شیعه یا سنی یا صوفی اگر به غیر این معتقد باشد، کافر است و بر حسب شریعت وهابیت قتلش واجب! آری وهابی، چه سعودی، چه عراقی، چه افغانی و چه پاکستانی و ... اول مغزش را با حشیش و پول استعمار شستشو می دهند و بعد می رود و خودش را در بازارها و مناطق شیعه منفجر می کند، علیرغم اینکه هیچ کدام از آن انسانها دخالتی در حوادث و رویدادهای موجود نداشته اند، و این موضوع، از نظر تروریست وهابی هیچ اشکالی ندارد!

*اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی وهابیان

وهابیان قائل به جنگ با دیگر فرقه‌ها و مذاهب اسلامی هستند و مدعی‌اند که یا باید به آیین وهابیت درآیند و یا جزیه دهند. آنان مخالفان خود را متهم به کفر و شرک می‌کنند و اموال، نفوس و ناموس دیگران را حلال می‌دانند و آیات مربوط به شرک و کفر را بر مسلمانان مخالف خود منطبق می‌کنند که این، بزرگ‌ترین ضربه به پیکر جامعه اسلامی و مسلمانان است.

با این تفکر بسته و خشک وهابیت بود که وقتی سعودی‌ها (در سال 1344 ق.) بر مکه و مدینه و اطراف آن تسلط یافتند، مشاهده متبرک بقیع و آثار خاندان رسالت و صحابه پیامبر را شکستند و از بین بردند.

برای عملکرد و کارهایی که وهابیان در حوزه اجتماع و سیاست انجام داده‌اند و نگرش آنان نسبت به مسائل اجتماعی، باید به کتاب‌های تاریخی مراجعه کرد. چهره خشن و متعصب طالبان در افغانستان، در عرصه سیاست، حکومت و مردم‌داری، نمونه‌ای از اندیشه‌های وهابیان است. بنابراین، وهابیت هم در نحوه پیدایش و انعقاد تفکر، مغیوض عالمان فرقه‌های مختلف مسلمین بوده‌اند و هم در نگرش نسبت به مسائل دینی مورد مخالفت عالمان قرار گرفته‌اند و اولین کتابی که در رد وهابیت نگاشته شده، کتاب «الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه» بود که به وسیله برادر محمد بن الوهاب (سلیمان بن عبدالوهاب) نوشته شده است.

در عرصه سیاست نیز آنان جاده صاف کن دشمنان دین و اسلام بوده‌اند. این آیین و مسلک، ساخته و پرداخته انگلیسی‌ها است و همین ننگ برای این مسلک و پیروان آن کافی است.

*گسترش وهابیت

در ارتباط با گسترش این فرقه، می‌توان به این عوامل اشاره کرد:

1. تشدید فعالیت‌های تبلیغاتی و فرهنگی وهابیان در داخل ایران و حوزه‌های مسلمان نشین خارجی (نظیر حوزه قفقاز، بالکان و سایر کشورهای مجاور ایران) که آمادگی تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران را دارند، مشاهده می‌شود. وهابیت به عنوان جریانی انحرافی در جهان اسلام و وابسته به استعمارگران، وظیفه جلوگیری از تداوم و گسترش اسلام اصیل را بر عهده داشته، از این رو، تخریب و ایجاد زلزله در مبانی فکری و اعتقادی شیعیان، به عنوان محور اصلی این جریان را دنبال می‌کند. از این رو در سال‌های اخیر در جهت همسویی با تهاجم فرهنگی و نظامی آمریکا علیه کشورهای اسلامی و به خصوص ایران، فعالیت‌های تبلیغی خود را در ایران توسعه بخشیده است.
2. وهابیت به دلیل افکار اعتقادی خاصی که در باب شفاعت، توسل، شرک و مانند آن دارد، در تعارض کامل با مذهب شیعه است؛ هر چند که اکثریت فرقه‌های اهل سنت با تفکرات این گروه مخالفند از این رو، گروه یاد شده همواره در تلاش است تا با تبلیغات سازمان یافته (اعم از کتاب، مقاله، سخنرانی و مانند آن)، با شیعه مقابله کند.
3. خطر بزرگ‌تر این گروه، روش‌های دور از منطق اسلامی است که در مسائل سیاسی و حکومتی در پیش گرفته است. ظهور گروه طالبان و القاعده (به رهبری ملا عمر و اسامه بن لادن) نمونه‌ای از این فعالیت‌هاست. که سبب بهانه جویی غربی‌ها شد تا مسلمانان را به تروریسم و خشونت و مخالفت با تمدن متهم کنند؛ تا جایی که دست قدرت‌های استعماری غرب - به خصوص آمریکا - را در منطقه باز گذاشته، زمینه دخالت‌های نظامی و سیاسی آنان در کشورهای اسلامی را فراهم ساخته است که افغانستان و عراق دو نمونه بارز این دخالت‌ها به شمار می‌آیند.